

وقایع ناگوار در مدارس: پیامدها و بایدها

سپیده امیدواری*

گروه سلامت روان، مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی

فصلنامه پایش

سال یازدهم شماره ششم آذر - دی ۱۳۹۱ صص ۷۷۷-۷۸۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۸/۲۲

انشر الکترونیک پیش از انتشار-۱۳۹۱/۹/۱۹

چکیده

حوادث همواره رخ می‌دهند و گاه قربانیان آنها، دانش‌آموزان مدارس هستند. کودکان و نوجوانان سنین مدرسه، نظر به مرحله‌ای از رشد که در آن قرار دارند، در قبال وقایع زندگی، ممکن است آسیب‌پذیرتر از بزرگسالان و نیازمند توجه و دقت نظر بیشتر باشند. بمنظور دستیابی به نمایی اولیه از وقایع ناگوار که برای دانش‌آموزان در داخل و خارج از مدارس ایران رخ می‌دهند و نیز نحوه برخورد با حوادث، مروری کوتاه با استفاده از کلمات "مدرسه"، دانش‌آموزان، "بچه‌ها"، "حادثه"، "حوادث"، "آتش‌سوزی" و "تصادف" در تارنماهای روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی کشور انجام شد تا با داشتن تصویری از وضعیت موجود اقداماتی که لازم است انجام شوند، مشخص‌تر شوند. سپس جهت بررسی پیامدها و آنچه می‌بایست انجام شوند، به متون مربوطه مراجعه گردید. نتایج بررسی نشانگر آن بودند که وقایع مشابه بصورت تکرار شونده در استانهای مختلف کشور رخ می‌دهند که تعداد قربانیان برخی از آنها نیز فراتر از تعداد مورد انتظار بوده‌اند. بنظر می‌رسد عواملی همچون عدم آموزش صحیح یا آموزش ناکافی کارکنان مدارس، انتخاب تفریحگاههای غیراستاندارد برای به اردو بردن دانش‌آموزان، غیراستاندارد بودن مدارس، کمبود امکانات اولیه، اشکالات احتمالی موجود در برخی راههای کشور و غیره در وقوع این حوادث دخیل بوده‌اند. علیرغم ناشایع نبودن رخداد اینگونه وقایع ناگوار، متأسفانه برنامه‌های معتبر به لحاظ علمی برای کاهش وقوع حوادث و کمک به قربانیان جهت مقابله با پیامدهای آنها تدوین نشده است. نظر به ماهیت رخدادهای مورد بررسی، بنظر می‌رسد حداقل وقوع برخی از آنها قابل پیشگیری بوده است و نیاز به تدوین و استفاده از برنامه‌های عملیاتی برای رویارویی و غلبه بر بحرانها در مدارس بچشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: مدارس، دانش‌آموزان، حوادث، بلایا، کودکان و نوجوانان

* نویسنده پاسخگو: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۲۳

تلفن: ۶۶۴۸۰۸۰۴

E-mail: somidvari@ihsr.ac.ir

مقدمه

نحوه برخورد با حوادث از سوی متولیان امر، با توجه به عدم وجود دفتر یا سازمانی جهت ثبت وقایع ناگوار رخ داده در داخل و خارج مدارس کشور، مروری کوتاه با استفاده از کلمات "مدرسه"، دانش‌آموزان، "بچه‌ها"، "حادثه"، "حوادث"، "آتش‌سوزی" و "تصادف" در تارنماهای روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی کشور انجام شد تا بدینوسیله علاوه بر دستیابی به تصویری مقدماتی از مشکل، اقداماتی که می‌بایست انجام شوند، مشخص‌تر شوند. سپس جهت بررسی پیامدها و آنچه می‌بایست انجام شوند، به متون علمی مربوطه مراجعه گردید.

مواد و روش کار

وقایع ناگوار در مدارس ایران

به منظور ورود به مطلب و ملموس‌تر شدن مسئله، ابتدا به برخی حوادث و بلایایی که در داخل یا خارج از مدارس برای دانش‌آموزان و یا معلمین کشور رخ داده است، در قالب ذکر نمونه‌هایی، بطور گذرا پرداخته می‌شود. نظر به تعدد وقایع و هدف این مقال که پرداختن به مسئله از باب درس گرفتن از وقایع رخ داده بوده است، منتخبی از وقایع که مربوط به استانهای مختلف کشور - و بیانگر گستردگی وقایع در سطح کشور- هستند، شرح می‌شوند. هدف از ذکر این حوادث، متهم کردن اولیای امور، مدیران و کارکنان چند مدرسه یا ناحیه آموزش و پرورش نیست بلکه درس گرفتن از وقایعی است که در صورتیکه تدابیر صحیح و عملیاتی برای پیشگیری از وقوع آنها اندیشیده نشوند، می‌توانند برای دانش‌آموزان و معلمین "هر مدرسه‌ای" در سطح کشور رخ دهند.

۱. مرگ شش دانش‌آموز در دریاچه مصنوعی پارک شهر تهران: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۱، مسئولین یکی از مدارس راهنمایی دخترانه شهر ری، گروهی از دانش‌آموزان مدرسه را برای گردش علمی تفریحی به تهران آوردند. پس از بازدید از یکی از موزه‌ها، دانش‌آموزان به همراه مسئولین خود، به پارک شهر رفتند. باران شروع به باریدن کرده بود که ۱۵ تن از دانش‌آموزان، سوار قایق موتوری شدند. قایق موتوری تکانه‌های شدیدی می‌خورد و بچه‌ها جیغ می‌کشیدند. هنوز چند متری حرکت نکرده بودند که از سمت راست قایق، آب بر روی بچه‌ها ریخت. بچه‌ها ترسیدند و خود را به سمت چپ قایق انداختند و در نتیجه قایق واژگون شد و دانش‌آموزان به داخل آب افتادند. از آنجا که اکثر دانش‌آموزان شنا بلد نبودند، به زیر آب فرو رفتند. تعداد اندکی نیز که مختصر آشنایی با شنا داشتند، فقط برای مدت

وقایعی که در طول زندگی برای افراد رخ می‌دهند، می‌توانند بر سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و حتی معنوی آنان اثر بگذارند. این اثرگذاری نه فقط وابسته به ماهیت واقعه، بلکه تفسیری است که فرد از واقعه و از علل آن دارد. علاوه بر آن، سن و مرحله‌ای از رشد که فرد در آن قرار دارد، بیماریهایی که در گذشته به آنها مبتلا بوده یا اکنون به آنها مبتلاست، وقایع قبلی زندگی و زمان رخ دادن و تعداد و ماهیت آنها، قدرت و استحکام شخصیت فرد، منابع استرس موجود در زندگی وی، مکانیسم‌های دفاعی مورد استفاده و قدرت انطباق فرد با استرسها، منابع حمایتی وی و غیره، همگی عواملی مهم و دخیل هستند [۱]. در این میان کودکان و نوجوانان سنین مدرسه، با توجه به مرحله‌ای از رشد که در آن قرار دارند، ممکن است در قبال وقایع زندگی، آسیب‌پذیرتر از بزرگسالان و نیازمند توجه و دقت نظر بیشتر در ارزیابی مشکل، دریافت درمان و انجام اقدامات مناسب از سوی والدین، پزشکان، اولیای مدارس، سیاستگذاران و مسئولین باشند. هر چند وقایعی که برای دانش‌آموزان به وقوع می‌پیوندند، ممکن است متنوع و گسترده بحرانها، متفاوت باشد (درگیر شدن یک کودک یا نوجوان، یک خانواده، یک مدرسه و یا اغلب افراد یک جامعه)، تشابهات بسیاری در مورد واکنشهای فردی به حوادث و بلایا وجود دارد. بنابراین با اطلاع از این واکنشها و علائمی که کودکان و نوجوانان ممکن است دچار آن شوند و برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها، می‌توان به کاهش رنجهای آنان کمک کرد. علاوه بر آن بنظر می‌رسد تدوین سیاستهای صحیح و مشخص از سوی سیاستگذاران در خصوص رخداد وقایع ناگوار در داخل و خارج از مدارس نه تنها می‌تواند به انجام اقدامات مقتضی "پس از" وقوع حوادث در جهت ارائه خدمت از ابعاد گوناگون به آسیب‌دیدگان منجر شود بلکه هشیاری حاصل از نگاه صحیح به مشکل و آموزشهایی که اولیای امور و کارکنان مدارس دریافت خواهند کرد، خود ممکن است حتی در کاهش رخ دادن وقایع ناگوار نیز کمک‌کننده باشند. در این مقال با نگاهی گذرا به بحرانهای رخ داده، به ایجاز به پیامدهای وقوع حوادث ناگوار در مدارس و آنچه باید و می‌توانند در مراحل پس از وقوع حوادث انجام شوند، پرداخته می‌شود.

مواد و روش کار

بنمظور دستیابی به نمایی اولیه از وقایع ناگواری که برای دانش‌آموزان در داخل و خارج از مدارس ایران رخ می‌دهند و نیز

حال برخی از مجروحان حادثه را نیز وخیم اعلام کرده بود. بجز دانش‌آموزان، راننده مینی‌بوس و ۴ تن دیگر نیز مجروح شدند. دانش‌آموزان از روستای محل سکونت خود عازم شهرستان چترود برای شرکت در کلاس درس بودند.

۴. مرگ یک دانش‌آموز ۱۳ ساله به علت برق‌گرفتگی: در انتهای فروردین ۱۳۸۵، گروهی از دانش‌آموزان شهرستان جلفا در استان آذربایجان شرقی، به همراه معلم خود به اردویی تفریحی که از سوی مدرسه تدارک دیده شده بود، رفتند. درختان تفرجگاه آسیاب (محل اردو)، با استفاده از موتور آب از نهر مجاور آسیاب، آبیاری می‌شدند. یکی از دانش‌آموزان هنگامی که مشغول پر کردن ظرف آب از آب جاری در زیر درختان بود، دچار برق‌گرفتگی شد و کشته شد. سیم برق سه فاز از پوشش خود خارج شده بود و با آب هدایت شده به زیر درختان برای آبیاری، اتصال پیدا کرده بود. بنابراین کوچکترین تماس با آب جاری در زیر درختان می‌توانست حادثه‌آفرین باشد. همکلاسی‌ها و دانش‌آموزان دیگر مدارس که در محل حضور داشتند، شاهد برق‌گرفتگی و مرگ دانش‌آموز نوجوان بودند.

۵. مرگ یک معلم: هشتاد دختر دانش‌آموز مدرسه‌ای در مشهد، ۱۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶، به‌همراه معلمان خود برای اردویی تفریحی به سد کارده در اطراف مشهد رفتند. پس از خوردن ناهار، هنگامیکه دانش‌آموزان در کنار سد مشغول قدم زدن بودند، ناگهان یکی از آنها به داخل رودخانه سقوط کرد. دانش‌آموزان با مشاهده سقوط همکلاسی خود در آب خروشان رودخانه، جیغ می‌کشیدند و دچار وحشت شده بودند. آنها شاهد جدال دوست خود با مرگ بودند. ۲ تن از آموزگاران، به داخل رودخانه پریدند و به کمک دانش‌آموزی که در حال غرق شدن بود، رفتند. آنها جان دانش‌آموز را نجات دادند اما خود گرفتار امواج سیل آسا شدند. سرانجام یکی از آموزگاران نیز نجات یافت اما اثری از آموزگار دیگر نبود. معلم زن ۲۴ ساله، به علت خفگی در آب جان سپرده بود. مأموران جسد معلم را به پزشکی قانونی انتقال دادند تا پس از طی مراحل قانونی، به خانواده‌اش تحویل داده شود.

۶. مرگ یک دانش‌آموز خردسال: در اردیبهشت ۱۳۸۷، زمانی که تعدادی از دانش‌آموزان یک مدرسه ابتدایی پسرانه در اصفهان، برای شرکت در اردویی تفریحی به همراه مربیان خود عازم اردوگاهی در منطقه فلاورجان اصفهان شده بودند، گروهی از دانش‌آموزان سوار ترنی شدند که در این اردوگاه بود. یک مربی نیز به‌همراه دانش‌آموزان سوار شد. بچه‌ها از واگن‌ها به بیرون خم شده بودند. هنوز دقایقی از

کوتاهی توانستند خود را بر روی آب نگاه دارند. گروه نجات غریق برای حوادث احتمالی، در محل وجود نداشت و مرد قایقران نیز که به داخل آب افتاده بود، خود جان سپرد. چند مرد که در حال عبور از آن قسمت از پارک بودند، با دیدن دست و پا زدنهای بچه‌ها، به درون آب پریدند و موفق شدند پیکرهای نیمه‌جان چند دانش‌آموز دختر را از آب بیرون بکشند. در مطالعه‌ای که بر ۱۹ تن از "بازماندگان" حادثه فوق انجام شد، مشخص گردید که از ۱۹ دانش‌آموزی که تحت مصاحبه روانپزشکی قرار گرفته بودند، ۱۷ تن دچار اختلال استرس پس از سانحه (Post Traumatic Stress Disorder -PTSD) بودند؛ دانش‌آموزانی که یا در درون دریاچه با مرگ دست و پنجه نرم کرده بودند یا بیرون از دریاچه، شاهد واژگون شدن قایق و به زیر آب فرو رفتن همکلاسی‌های خود بودند.

۲. آتش‌سوزی در مدرسه و مرگ ۱۳ دانش‌آموز: بیست و چهارم دی ماه سال ۱۳۸۳، آتش‌سوزی باعث مرگ ۱۳ دانش‌آموز دختر و پسر دبستان روستای سفیلان شهرستان لردگان استان چهارمحال و بختیاری شد. در پی آتش گرفتن مخزن بخاری نفتی کلاس، معلم جوان برای نجات جان دانش‌آموزان، سعی در خارج کردن بخاری از کلاس می‌کند. در راهروی مدرسه، به علت شعله‌ورتر شدن آتش و سرایت آن به معلم، بخاری از دستان وی رها می‌شود. مدرسه دارای یک راهرو و ۳ اتاق بود و به علت کمبود جا، یک گالن ۲۲۰ لیتری نفت پشت در ورودی اصلی در راهرو قرار داده شده بود. گالن نفت، پُر و از جنس پلاستیک بود. بنابراین با برخورد بخاری مشتعل با گالن نفت، گالن منفجر شد و آتش در تمام کلاسها و ورودی ساختمان مدرسه شعله کشید و راه خروج دانش‌آموزان مسدود شد. تلاش معلمان و مسئولین مدرسه برای خارج کردن دانش‌آموزان از مدرسه، موفقیت آمیز نبود. ۱۳ کودک دختر و پسر در آتش سوختند. به علت فاقد آب بودن مدرسه و عدم دسترسی به وسایل اطفای حریق و آتش‌نشانی، ساختمان مدرسه ساعتها در شعله‌های آتش سوخت. علاوه بر ۱۳ دانش‌آموز، معلم کلاس نیز به علت شدت جراحات، جان باخت.

۳. کشته‌شدن دانش‌آموزان در تصادفات جاده‌ای: در اسفند ماه ۱۳۸۵، مینی‌بوس حامل دانش‌آموزان دبیرستانی یکی از روستاهای توابع کرمان، در جاده‌ای کم عرض، با یک دستگاه تریلی تصادف کرد. ۸ دانش‌آموز دختر دبیرستانی و معلم آنها در دم جان سپردند و بیش از ۲۰ دانش‌آموز دیگر نیز مجروح شدند. مجروحین به بیمارستانی در کرمان انتقال یافتند. یکی از مسئولین بیمارستان،

یک بحران کارکنان مدارس و والدین دانش‌آموزان، باید به آن توجه کنند و اقدامات لازم را در رابطه با آن انجام دهند، هر گونه تغییر عمده در رفتار دانش‌آموزان و ماهیت آن تغییرات است. مهم است که کارکنان مدارس و والدین درک کنند که تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان درگیر در حادثه ممکن است رنج و اندوه شدیدی را تجربه کنند و آنکه، این مسئله ممکن است در مورد اقلیت نسبتاً قابل توجهی، چند سال نیز طول بکشد. در صورت وجود علائم خاص ممکن است برای دانش‌آموز، ابتلاء به بیماری "اختلال استرس حاد" (Acute Stress Disorder) یا "اختلال استرس پس از سانحه" نیز مطرح شود [۲]. احساس تجربه مجدد حادثه تکان‌دهنده، اجتناب از فکر کردن در باره تجربه (و در عمل صحبت نکردن با والدین و هم‌سن و سالان در مورد احساسات خود)، احساس وجود آینده‌ای کوتاه و تغییر اولویتها، احساس گناه بازمانده (Survivor guilt)، افزایش اضطراب و برانگیختگی، مشکلات تمرکز، اختلال در خواب، مشکلات جدا شدن از والدین، مشکلات حافظه، افزایش گوش به زنگ بودن در مورد خطرها، ایجاد ترسهای مرتبط با تجربه ناگوار مانند ترس از مسافرت، تحریک‌پذیری، افسردگی، واکنشهای داغ‌پذیری، هراس (Panic) و اختلال در عملکرد تحصیلی برخی از مشکلاتی هستند که بازماندگان و شاهدان حوادث ناگوار ممکن است با آنها مواجه شوند. در این میان، کودکان و نوجوانانی که زندگی‌شان بیش از دیگران در خطر بوده است، آنها که شاهد مرگ یا کشتار بوده‌اند، کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌هایی با روابط خانوادگی بی‌ثبات زندگی می‌کنند و کودکان و نوجوانانی که هوش کمتری دارند، بیش از همه احتمال دارد که دچار این پیامدها شوند [۳-۵]. این عوامل می‌توانند برای شناسایی کودکان و نوجوانانی که باید با توجه خاص پایش شوند، مورد استفاده قرار گیرند.

اثر وقایع ناگوار بر کارکنان مدارس: باید در نظر داشت که علاوه بر دانش‌آموزان، معلمین و دیگر کارکنان مدارس نیز که در حادثه حضور داشته‌اند، همچون دانش‌آموزان، ممکن است دچار مشکلاتی مانند ابتلاء به "اختلال استرس حاد" یا "اختلال استرس پس از سانحه"، اختلال در خواب، اختلال در حافظه و تمرکز، کاهش خلق، اختلال در روابط بین فردی و عملکرد شغلی و غیره شوند؛ مشکلاتی که ممکن است مغفول واقع شوند. برخی معلمین ممکن است تلاش کنند به نحو نامناسبی مشکلاتشان را حل کنند. برای مثال، آنها ممکن است گاهی با "دانش‌آموزان" در دل کنند که به این ترتیب بر بار مشکلات دانش‌آموزان می‌افزایند. گاه نیز، بجای

حرکت قطار نگذشته بود که ناگهان یکی از دانش‌آموزان پایه سوم، از داخل یکی از واگن‌ها به بیرون افتاد و زیر چرخهای قطار گرفتار شد. مسغول قطار، با شنیدن فریادهای دیگر دانش‌آموزان، متوجه ماجرا شد و قطار را متوقف کرد ولی شدت جراحات به حدی بود که کودک قبل از رسیدن به بیمارستان، جان خود را از دست داد. دیگر کودکان شرکت‌کننده در اردو، شاهد وقوع این حادثه دلخراش بودند. پدر کودک در مصاحبه با رسانه‌ها گفته بود: "صبح پنجشنبه، وقتی پسر رضایت‌نامه مدرسه را به من داد تا با امضای آن، موافقت خودم را نسبت به رفتن وی به اردو اعلام کنم، هرگز باورم نمی‌شد این آخرین باری است که محمد را زنده می‌بینم. ساعت حدود ۳ بعد از ظهر بود که با من تماس گرفتند و گفتند محمد در بیمارستان بستری شده است. وقتی خودم را به بیمارستان رساندم، متوجه شدم پسرم بخاطر سقوط از ترن، جان خود را از دست داده و پس از اعلام نتایج اولیه پزشکی قانونی فهمیدم محمد بخاطر گرفتار شدن زیر چرخهای ترن جان سپرده است. پس از این حادثه بود که خودم را به محل اردوگاه رساندم و در آنجا با ترنی مواجه شدم که از ۳ واگن تشکیل شده بود و به جای حرکت روی ریل، با استفاده از چرخهای تایداری، در محوطه اردوگاه حرکت می‌کرد و این در حالی بود که در هیچ‌کدام از واگن‌ها، کمر بند ایمنی بچشم نمی‌خورد."

نحوه برخورد با حوادث رخ داده در داخل و خارج مدارس

متأسفانه در بررسی مستندات مربوط به وقایع ناگواری که در ارتباط با مدارس رخ داده بودند، کنکاش علمی و حرفه‌ای از سوی متولیان جهت یافتن عوامل و علل زمینه‌ساز بروز حوادث و بحرانها و پایش مشکلات افراد درگیر در حوادث در طول زمان و تدوین برنامه بمنظور ارائه خدمت به آنان و آموزش به اولیای مدارس جهت کاهش بروز حوادث و چگونگی رویارویی با وقایع ناگوار در صورت رخداد، بچشم نمی‌خورد. آنچه عموماً دیده می‌شد تلاش افراد و سازمانهای مختلف جهت رفع اتهام از خود از باب قصور یا تقصیر بود.

پیامدهای وقایع ناگوار

اثر وقایع ناگوار بر دانش‌آموزان: همانگونه که اشاره شد وقایع ناگوار بر سلامت دانش‌آموزان از ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی اثر می‌گذارند. در این راستا لازم است کارکنان مدارس و والدین از دامنه علائمی که کودکان و نوجوانان ممکن است پس از یک حادثه نشان دهند، آگاه باشند و در این زمینه کارکنان مدارس آموزشهای لازم را بطور مدون (بعنوان مثال در قالب آموزشهای ضمن خدمت) دریافت کنند. مهمترین مسئله‌ای که پس از وقوع

اول مغفول واقع شده و متأسفانه اقدامی عملی تاکنون صورت نگرفته است. باید توجه داشت که افراد جان باخته در حوادث ناگوار، متأسفانه فقط "بخشی" از افراد آسیب دیده اینگونه حوادث هستند. مجروحین جسمی حوادث، شاهدان حادثه (حتی اگر به لحاظ "جسمی" آسیب ندیده باشند)، حتی دانش‌آموزانی که در صحنه حادثه حضور نداشته‌اند (مانند دیگر دانش‌آموزان مدرسه) با شنیدن حادثه‌ای که اتفاق افتاده است، ممکن است دچار علائم و مشکلاتی شوند که نیازمند شناسایی، بررسی و پیگیری (هم از نظر سلامت روانی و هم از نظر عملکرد تحصیلی) هستند. بعنوان مثال آن دسته از دانش‌آموزان یک مدرسه که اصولاً به اردویی که در بازگشت از آن چند تن از دانش‌آموزان و معلمین مدرسه جان خود را از دست داده‌اند و تعدادی دیگر نیز زخمی شده‌اند، نرفته‌اند اما اکنون با صندلی خالی همکلاسی‌ها و هم مدرسه‌ای‌های کشته شده خود در محیط مدرسه مواجه شده‌اند، ممکن است دچار مشکلاتی شوند که مسئولین مدرسه باید در این خصوص مراقب باشند. در یک نگاه کلی، مدارس در مراحل فوری، کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پس از یک بحران با مسائلی مواجه می‌شوند که آگاهی از آنها بعنوان قسمتی از وظایف مدرسه و داشتن برنامه مدون برای رویارویی صحیح با آنها ضروری است. در مرحله فوری پس از یک واقعه ناگوار، دستیابی به اطلاعات مبتنی بر واقعیت، چگونگی اطلاع به والدین دانش‌آموزان در خصوص واقعه رخ داده، ایجاد امکان تماس والدین دانش‌آموزان با مدرسه، پاسخدهی به سئوالات خانواده‌های دانش‌آموزان مدرسه، چگونگی پاسخگویی به رسانه‌ها، در جریان قرار دادن کارکنان مدرسه، چگونگی مطلع کردن دانش‌آموزان دیگر از واقعه، ادامه دادن روال معمول مدرسه، اطلاع دادن به رؤسا و مراجع مقتضی و حضور در تشییع جنازه‌ها از اموری هستند که مدارس می‌بایست به آنها بپردازند.

اقدامات کوتاه‌مدت لازم شامل موارد زیر است: پیوستن مجدد بچه‌ها به والدین‌شان، مدیریت صحیح کارکنان، اجازه صحبت به کارکنان دادن در خصوص واقعه، برقراری تماس با متخصصین خارج از مدرسه، تشویق دانش‌آموزان به صحبت کردن در مورد واقعه، بازگویی واقعه در صورت تمایل دانش‌آموزان به این کار به انحاء مختلف مانند نقاشی و نوشتن، کمک به دیگر دانش‌آموزان کلاس یا مدرسه برای کنار آمدن با حادثه و بحران، در نظر داشتن تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در انطباق یافتن با واقعه، توجه به واکنش‌های خاص بچه‌های کوچکتر، پایش اثرات و نتایج واقعه ناگوار، برگزاری

بحث کردن در مورد مشکلاتشان با دیگر معلمین، ممکن است به بحث در مورد مشکلاتشان در کلاس درس با بچه‌ها بپردازند. لازم است دیگر کارکنان مدرسه به احتمال وقوع چنین مشکلاتی برای همکاران خود آگاه باشند و برای دریافت حمایت و کمک حرفه‌ای به آنها کمک کنند. علاوه بر کارکنانی از مدارس که خود درگیر حادثه بوده‌اند، دیگر مسئولین و معلمین مدارس نیز ممکن است پس از وقوع حوادث ناگوار دچار مشکلاتی شوند. یکی از این مشکلات احساس سردرگمی در انجام اقدامات مورد نیاز و تردید و نگرانی در مورد صحت تصمیم‌های اتخاذ شده و برخورد‌های صورت گرفته با دانش‌آموزان درگیر در واقعه و خانواده‌های آنان است، چرا که در برخی مدارس کشور، پس از مواجهه با حوادث و بحرانها، به علت احساس مسئولیت و دلسوزی برخی کارکنان، احتمالاً اقداماتی صورت می‌گیرد، اقداماتی که ممکن است حاصل هم‌اندیشی چند تن از کارکنان مدرسه بوده باشد اما در چنین مواردی، هم از سوی آنها و هم از نقطه نظر افراد حرفه‌ای این سؤال مطرح می‌شود که آیا نوع پرداختن آنها به مسئله، اصولاً صحیح بوده است؟ آیا اقدامات انجام شده حتی در صورت صحت، کافی بوده است؟ آیا ممکن است در این روند، اشتباهاتی، و گاه اشتباهاتی جدی، رخ داده باشند؟ آیا این اشتباهات قابل پیشگیری بودند؟ مطالب فوق بیانگر "نیاز" کارکنان مدارس به آموزشهای لازم در خصوص چگونگی مواجهه با وقایع ناگوار رخ داده در داخل و خارج از مدارس است.

آنچه سیاستگذاران، مسئولین و کارکنان مدارس باید و می‌توانند انجام دهند.

اقداماتی که باید انجام شوند، در یک تقسیم بندی کلی در دو بخش می‌توانند مطرح شوند:

الف: اقداماتی که برای کاهش وقوع حوادث ناگوار باید انجام شوند: نگاهی حتی کوتاه به مثالهایی از وقایع ناگوار که در این گفتار بعنوان "نمونه" به آنها اشاره شد، خود نشانگر آن است که چگونه عواملی مانند عدم آموزش صحیح یا آموزش ناکافی کارکنان مدارس، انتخاب تفریحگاهی غیراستاندارد برای دانش‌آموزان، غیراستاندارد بودن مدارس، کمبود امکانات اولیه، اشکالات احتمالی موجود در برخی راههای کشور و غیره در وقوع این حوادث دخیل بوده‌اند که با پرداختن به آنها می‌توان از شیوع رخداد اینگونه حوادث ناگوار کاست. ب: اقداماتی که پس از وقوع حوادث ناگوار باید برای بازماندگان حادثه و افراد مرتبط با آنها صورت گیرد: متأسفانه بنظر می‌رسد که این بخش از قضیه حتی بیش از قسمت

مشکل است در حالیکه برای حل هر مشکلی باید ابتدا آن را در برابر چشم گرفت و بدقت به آن نگریست. انجام اقداماتی که در مراحل مختلف پس از وقوع یک واقعه ناگوار باید صورت گیرند، مستلزم پیروی از برنامه‌ای مدون است، برنامه‌ای عملیاتی برای پیشگیری از رخداد وقایع ناگوار در آینده که کلیه مدارس می‌بایست از آن برخوردار باشند تا، و اگر، حادثه‌ای رخ دهد، با استفاده از آن بتوانند بیشترین حمایت را از دانش‌آموزان و نیز کارکنان مدارس بعمل آورند، چرا که مطالعات نشانگر آنند که مدارس می‌توانند در قالب یک برنامه مدون، به کاهش مشکلات و رنجهای افراد درگیر در حوادث و بحرانها بسیار کمک کنند [۸ - ۶]. چنین متن مدونی [۳] خوشبختانه در کلیه مدارس چهار کشور جهت استفاده وجود دارد و به فارسی نیز ترجمه شده است و براحتی قابلیت استفاده در کلیه مدارس کشور را داراست. راهنمایی‌های عملی موجود در این کتاب، نتیجه کار متخصصینی است که خود را وقف کمک به کودکان و نوجوانانی کرده‌اند که در معرض حوادث و وقایع ناگوار در نقاط مختلف جهان قرار می‌گیرند، کمکهایی که به لحاظ تجربی آزموده شده‌اند و براحتی در دسترس می‌باشند. کتاب علاوه بر آموزش کارکنان مدارس و اولیای دانش‌آموزان، به کارکنان مدارس در تهیه "برنامه‌ای" برای مقابله با حوادث ناگوار، راهنمایی‌هایی‌های لازم را ارائه می‌کند اما متأسفانه علیرغم دسترسی به متنی عملیاتی آنچه هنوز تحقق نیافته است، تمایل به انجام مداخله در خصوص رخ دادن وقایع ناگوار در مدارس و تصمیم‌گیری در این خصوص از سوی سیاستگذاران و سیاست‌گزاران است، در حالیکه نظر به ماهیت وقایع رخ داده، بنظر می‌رسد حداقل در مورد برخی از این حوادث، رخداد آنها قابل پیشگیری بوده است و استفاده از برنامه‌ای عملیاتی برای مقابله با بحرانها در مدارس کشور امری ضروری است.

سهم نویسندگان

تمامی مراحل تهیه و تدوین مقاله حاضر توسط دکتر سپیده امیدواری انجام شده است.

یک جلسه رسمی "پرسش و پاسخ" با همه افراد درگیر در واقعه و ابراز همدردی با خانواده‌ها، دانش‌آموزان و کارکنانی که آسیب دیده‌اند یا سوگوار هستند. اقدامات میان‌مدت نیز شامل کمک به افراد برای بازگشت به مدرسه، تحقیق و بررسی در مورد روشهای آموزش جایگزین، حمایت تخصصی از کارکنان مدرسه، حمایت کارکنان مدرسه از بچه‌ها، درمان بچه‌ها توسط متخصصین، گردهمایی‌های خاص و مراسم یادبود واقعه، مطلع نگهداشتن خانواده‌ها از وضعیت سلامت و تحصیلی دانش‌آموزان و اقداماتی که در حال انجام است و پایش مداوم پیشرفت بچه‌ها است. در برنامه‌ریزی طولانی‌مدت‌تر، مدارس می‌باید استراتژی‌هایی را برای ادامه پایش دانش‌آموزان و کارکنان آسیب‌پذیر داشته باشند، در مورد برگزاری سالگردها و چگونگی انجام آن تصمیم بگیرند، مطمئن شوند که کارکنان جدید مدارس اطلاع دارند که کدامیک از دانش‌آموزان آسیب دیده‌اند، و به چه طریق، و اینکه آنها می‌دانند که در صورت لزوم چگونه کمک بیشتری دریافت کنند و نیز بیاد داشته باشند که فرایندهای قانونی، بازپرسیها و تحقیقات و حتی داستانهای خبری ممکن است خاطرات رنج‌آوری را با خود به‌همراه آورند و موجب ناراحتی و آشفتگی موقت در داخل مدرسه شوند [۳].

بحث و نتیجه‌گیری

حوادث و وقایع ناگوار همواره در تمامی کشورها رخ می‌دهند اما آنچه بین کشورها تفاوت ایجاد می‌کند، میزان شیوع حوادث، تعداد قربانیان و مجروحین و مهمتر از همه درس گرفتن از وقایع ناگوار توسط کشورها است. درس گرفتن از وقایع ناگوار، نیازمند نگاه علمی افراد حرفه‌ای به حادثه از نظر علت/علل زمینه ساز وقوع حادثه از ابعاد مختلف، برنامه‌ریزی بمنظور کاهش وقوع آنها و اقداماتی که می‌بایست پس از وقوع وقایع ناگوار انجام شوند، است و مسلماً آنچه بیش از همه در این روند اختلال ایجاد می‌کند عدم تمایل به پرداختن به مسئله و در پیش گرفتن رویه دفاعی انکار

منابع

1. Omidvari S. Disasters in schools of Iran. In: Yule W, Gold A. Wise before the event - Coping with crises in schools. 1st Edition, ISBA: Tehran, 2011
2. Meiser-Stedman R, Yule W, Smith P, Glucksman E, Dalgleish T. Acute stress disorder and posttraumatic stress disorder in children and adolescents involved in assaults or motor vehicle accidents. The American Journal of Psychiatry 2005; 162: 1381-83
3. Yule W, Gold A. Wise before the event - Coping with crises in schools. Translated by: Omidvari S. 1st Edition, ISBA: Tehran, 2011
4. Cohen JA. Posttraumatic stress disorder in children and adolescents. In: Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P.

Kaplan & Sadock's Comprehensive Textbook of Psychiatry, 10th Edition, Lippincott Williams & Wilkins: USA, 2009

5. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan & Sadock's Synopsis of Psychiatry, 10th Edition, Lippincott Williams & Wilkins: USA, 2007

6. Kataoka S, Langley AK, Wong M, Baweja S, Stein BD. Responding to students with posttraumatic stress disorder in schools. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America* 2012; 21: 119-133

7. Berger R, Gelkopf M. School-based intervention for the treatment of tsunami-related distress in children: a quasi-randomized controlled trial. *Psychotherapy and Psychosomatics* 2009; 78: 364-71

8. Bagnell A, Bostic JQ. School consultation. In: Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P. Kaplan & Sadock's Comprehensive Textbook of Psychiatry, 10th Edition, Lippincott Williams & Wilkins: USA, 2009

Archive of SID